شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

۵شنبه
سال هفدهم
۳۱اردیبهشت ۱۴۰۵
۰۴ذی‌الحجه ۱۴۴۷
شماره ۴۷۶۶

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۸:۰۹	غروب آفتاب	۱۸:۳۵:۳۵	اذان مغرب	۱۸:۵۶:۰۸		
نیمه شب شرعی	۲۲:۳۷:۱۸	اذان صبح فردا	۰۲:۳۹:۰۱	طلوع آفتاب فردا	۰۴:۲۰:۴۳		

امام کاظم(ع):

هر که زبانش صادق باشد کردارش پاکیزه است.

تحف العقول: صفحه ۳۸۸، حدیث ۱۷

روایت اول

ایران، همدل تر از همیشه

درباره اقتدار کشورمان و یک صدایی مردمانش و دشمنانی که همیشه در کمین نشسته اند، با نگاهی به دیدگاه یک تحلیلگر سیاسی در برنامه «رُک شو»

عکس: خبرگزاری مهر

ضحی زردکانلو| مردم ایران بعد از جنگ تحمیلی سوم آگاهانه دانستند که باید در کجای تاریخ بایستند یا اگر هم می دانستند، احساس تکلیف کردند که وقتش رسیده مواضع ملی شان را بلندتر از همیشه فریاد بزنند. از همان کودکان و زنان و مردان این شب های تجمعات گرفته تا نخبگان و تحلیلگران و کارشناسان. و اتفاقا این فریاد به گوش جهان رسید و نه تنها دشمنان ما را که همه کشورهای جهان را متحیر کرد این سطح از جانفدایی و ملی‌گرایی و ایستادگی برای اقتدار ایران. شاید یکی دیگر از نقطه های عطف این ماجرا آنجایی بود که نه تنها کسی از مرزها خارج نشد که اتفاقا تعداد قابل توجهی از ایرانیان خارج نشین با عبور از مرزها به کشورشان بازگشتند تا رسانه های ترکی با چنین مضامینی گزارش بنویسند که ما در مرزها منتظر خروج ایرانی ها بودیم، اما برعکس شاهد بازگشت مردم ایران هستیم. انگار این جنگ شر، خیریتی هم برای ما به همراه داشت و آن هم این جنس از اتحاد و همدلی مردم ایران بود و البته به رخ کشیدن ابرقدرت بودنمان.

پیمان عارف، تحلیلگر سیاسی که پس از مهاجرت به ترکیه و انگلستان، تجارب عجیب و غریبی داشته و حالا دو سال است که به ایران برگشته است تا زیر پرچم کشورش بماند، در برنامه «رک شو» به میزبانی مجید واشقانی، با اشاره به اهمیت مقوله امنیت ملی و حفظ آن در همه شئون به موضوع دشمنان ایران می پردازد و از خوش خیالی هایی که برخی در این سال ها در رسانه های مختلف نسبت به اینکه کسی دشمن ایران نیست و این تصور یک توطئه است، منتقدانه اذعان می کند که دشمنان ایران در آن سوی مرزها برای این خاک دندان تیز کرده اند و حاضرند برای وطن فروشان هر امتیاز و باجی قائل شوند، پول های گزاف، موقعیت های شغلی وسوسه کننده... تا آن ها را سمت خودشان بکشانند و علیه ایران بشورانند و اتفاقا کم هم نبوده اند از این دست آدم ها!

او که خودش بارها دست رد به پیشنهادهای آن چنانی دشمن زده است از امثال روح ا... زم می‌گوید که چطور در سال ۱۳۹۶ از اعتراضاتی که اتفاقا در مشهد هم شروع شد با در دست داشتن رسانه ای که آبشخورش دشمنان ما بودند، علیه امنیت ایران آن شر و آشوب ها را در کشور دامن زد! اتفاقی که جرقه اولیه اش در کشور خورد تا دشمن در کمین نشسته از آب گل آلود ماهی بگیرد و حالا این ابزار دست رسانه های معاندی مثل ایران اینترنشنال است! که میلیون دلاری پول خرج می کند تا به خیال خامش ایران را از پا درآورد!

عارف در این برنامه به قدرت بی چون و چرای رسانه اشاره می کند و اینکه چطور می تواند یک رسانه مغز انسان ها را تعطیل کند و قدرت تفکر را از آن ها بگیرد. رویکردی که امثال ایران اینترنشنال سال هاست در پیش گرفته است. همان ها هم بودند سمی را به خوراک فکری مردم دادند که بدون هیچ منطقی حاضر شوند بگویند: آمریکا و اسرائیل نقطه زنی می کنند! و کاری با مردم عادی ندارند، اما بعد از چند روز که با چشم خودشان دیدند چه جنایاتی در کشور رقم خورد و چه خون های بیگناهی ریخته شد، مثل به شهادت رسیدن ۱۶۸ کودک مینابی، ورق برگشت و بعد ما مثل همیشه علاوه بر به رخ کشیدن قدرت نظامی مان شاهد تاب آوری اجتماعی و همدلی و هم بستگی میلیونی مردم بودیم و هستیم.

یکی دیگر از محورهای مهم صحبت های این فعال سیاسی، این است که انتقاد به شرایط حق مردم است، اما در شرایط جنگی آن قدر کثافت کاری بدخواهان اپوزیسیون و مخاطرات امنیتی نسبت به ایران وجود دارد که فعلا باید باب نقد را بست. او همچنین به قدرت تاریخی ایران نه فقط در منطقه که در جهان اشاره می کند که در یک جمع بندی مختصر باید گفت: هیچ کدام از کشورهای منطقه روزی نبوده که جزئی از خاک ایران نباشند. حتی بخش هایی از مصر هم روزگاری زیر سلطه ما بود. پس طبیعی است که ایران ستون اصلی خاورمیانه باشد که هست، ایران قدرت و هژمون طبیعی این منطقه باشد که هست! همیشه صحبت از این بود که بمب نسازیم تا به ما حمله نشود. نساختیم و حمله شد!

پس این حق ماست، که در همه حوزه ها همچنان پرقدرت بمانیم و حتی ابرقدرت مطلق شویم؛ با تمام ظرفیت هایی که در این آب و خاک هست، از دانش و تکنولوژی مان گرفته تا تجهیزات نظامی و زیرساختی مان و ... را ارتقا دهیم و هر روز قدرت مند تر از دیروزمان باشیم.

همه این ها برای این است که کسی به ما حمله نکند. وگرنه پوشیده نیست که ما با وجود تمام قدرتمندی مان همیشه خواهان صلح در منطقه بوده ایم و هروقت و هربار که به میدان جنگ رفتیم تنها و تنها برای دفاع از خاک و کشورمان بوده است.

کوچه

داریم به خودمان گُل می زنیم، حواسمان هست؟

محمدرضا شهیدی| بد جوری داریم به خودمان گُل می زنیم آن هم در زمانی که بازی متوقف است. الان وضعیت جنگ آمریکا و رژیم صهیونی و دیگر ابواب جمعی شان، مثل حالت توقف بازی است در زمین فوتبال. فوتبال متوقف است، اما سکوهای رسانه ای شان دارند جنگ روانی را به شدت ادامه می دهند. از همه ابزار نامتعارف هم استفاده می کنند. ما به جای اینکه همه حواسمان به آغاز ناگهان بازی و جنگ روانی سکوها باشد، خودمان داریم به خودمان گل می زنیم. داور هم دارد ثبت می کند به نفع حریف. برایش مهم نیست که بازی، مثلا متوقف است.

باور کنید اینکه در برخی تجمعات می بینیم و در نطق برخی نمایندگان می خوانیم و حتی در برخی از رسانه ها مشاهده می کنیم، تلخ تر و خسارت بارتر از تصویری است که در مشابهت سازی با فوتبال ارائه کردیم. اینکه برخی ها بزرگان کشور و منابع انسانی اعتمادزا را به جای دشمن هدف گرفته اند، اینکه با کاغذنوشته هایی که سر دست بلند می کنند نهادهای کلان متولی امنیت و امور مهم کشور را می زنند، اینکه فلان روزنامه در رفتاری عجیب به نام معرفی قدرت ایران، عملا سایز کفی تجهیزات را می نویسد و آدرس موتورخانه زیردریایی های خودمان را هم اینفو می کند، اینکه مستند به توئیت های ترامپ، مسئولان خودی را به صلابه می کشد، این ها را چگونه باید تحلیل کرد که بین حماقت یا خیانت افراد گرفتار نشد؟ شاید نیت ها واقعا هم خالصانه باشد و قصد، قربه الی ا...، اما آیا نتیجه دقیقا عکس این نخواهد شد؟ روشن تر از روز است که هررفتاری که به تضعیف جبهه خودی و تخریب وحدت حداکثری ملی بینجامد، امروز اعظم محرمات است. نیت هم سر سوزنی در آن دخیل نیست که اعمال اجتماعی و امنیتی را به نتایج باید سنجید نه به نیات. وقتی حفظ نظام، واجب و حتی اوجب است، هر رفتاری که به تضعیف آن بینجامد حرام و حرام تر است. باید دقت کنیم. بسیار هم باید دقت کنیم که هر فعل یا ترک فعلی که قبیله آدم خواران اپستین و صهیون را خوشحال کند، اعظم گناهان است حتی اگر در ظاهر عبادت باشد. حق و باطل بودن رفتارها و گفتارها و حتی نیات را در نسبت به دشمن باید سنجید. در شرایط جنگ سنجه های دیگر از اعتبار ساقط است چه رسد به سنجه های جناحی و انتخاباتی که از اول هم در صواب بودن آن تردید است. حواسمان باشد داور به هیچ قاعده ای پایبند نیست. تیم حریف هم قانون شکنی را قانون خود می داند. خودمان به خودمان ضربه نزنیم، همین.

خراسانیات

پدران و مادران ما، در قالب سازه ای فناورانه، هزاره هاست که توانی تجدیدپذیر را به خدمت گرفته اند

باجی که از باد می گیریم

حسن احمدی‌فرد
روزنامه نگار

جنگ، نکات فراوانی را به ما آموخت، یکی از مهم ترینشان، لزوم قطع وابستگی به انرژی های تجدیدناپذیر و توجه به انرژی های تجدیدپذیر است. نفت و گاز با همه مزایای اقتصادی که دارند، وابستگی ایجاد می کنند و در جنگ، هر وابستگی، نقطه آسیب است. پدران و مادران ما، تا همین سده پیشین، روش های فراوانی در استفاده از انرژی های تجدیدپذیر داشته اند، از پهن خشک شده گاو که آتش تنورها را تیز می کرده تا استفاده از آب قنات برای چرخاندن سنگ های سنگین آسیاب، در این میان شاید چشمگیرترین فناوری، «آسباد»ها باشند که چندین هزاره، هنر ایرانی ها (دقیق تر سیستانی ها و خراسانی ها) را در بهره گیری از باد، به نمایش می گذارد.

آسبادها، اوج خلاقیت پدران و مادران ما در استفاده از انرژی های تجدیدپذیر است. هر سال از همین حوالی آغاز فصل گرم، از اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد تا پایان شهریور در منطقه وسیعی شامل سیستان و خراسان، بادهای توفنده ای می وزد که می تواند منبع قابل توجهی برای تولید توان حرکتی باشد. بادهای ۱۲۰روزه، حاصل هوای پرفشار عرصه های شمالی و هوای کم فشار عرصه های شرقی هستند. این بادها که در کوهپایه های البرزکوه، در قالب نسیم ملایم جان بخشی، جان می گیرند، با گذر از بادراهه های خراسان رضوی و خراسان جنوبی، (و ولایت های هرات و فراه در افغانستان) قدرت می یابند و گرم و توفنده بر سرتاسر سیستان (و ولایت نیمروز در افغانستان) می وزند.

پیش از این ها که دریاچه اساطیری هامون، آبی داشته و آبادان بوده، بادهای ۱۲۰روزه، «توتن»ها، قایق های نی ای آن سامان را به تلاطم می انداخته. خیزابه ها، تف باد را می گرفته اند و به آن رطوبت می داده اند که حتی نه فقط زابل که زاهدان هم از خنکای این اتفاق، بهره بگیرد. این سال ها اما خشکی گریبان هامون را گرفته و بستر آن را خشکانده تا بادهای ۱۲۰روزه، تف بادی بشوند که گرد و غبار خفه کننده را بر صورت تکیده سیستان می نشاند.

پدران و مادران ما، همین توان تجدیدپذیر هر ساله را به خدمت گرفته اند و سازه ای ساخته اند که فناوری آن، هنوز هم از پس هزارها، کاراست و کارایی دارد، چنان که آسبادها هنوز هم می توانند گندم خراسان و سیستان را آرد کنند، آن هم چه آردی. از پیرمردی روشن ضمیر در نشتیفان خواف شنیدم که به نقل از گردشگر اروپایی می گفت: ایرانی ها تنها مردمانی هستند که از باد، باج می گیرند.

این آسیاب های بادی در سرتاسر ناحیه وسیع سیستان و خراسان پراکنده بوده و کم و بیش هستند، از شهرسوخته زابل و خوان شرف نهبندان، تا نشتیفان و سنگان و تایباد در خراسان رضوی، از زرنج در ولایت نیمروز تا انارده در ولایت فراه و بادغیس در ولایت هرات. انرژی تجدیدپذیری که پدران و مادران ما در هزاره های پیشین از آن بهره گرفته اند امروز آیا نمی تواند به کارِ ما بیاید؟ البته که می تواند، به ویژه اگر خلاقیت نسل نو در ارائه فناوری های تازه، چاشنی آن باشد.

خودبسندگی، اصل مهمی است که باید در وجوه مختلفش، مورد توجه باشد، هر جامعه خودبسنده، به ویژه در قد و قامت جوامع محلی، توان بیشتری برای تاب آوری دارد. در دشت های خراسان، توجه به انرژی باد، انرژی بادهای ۱۲۰روزه، ما را یک قدم به خودبسندگی، به این اصل اساسی فراموش شده، نزدیک می کند.

شهید یونس نظرزاده

تاریخ تولد:	۱۳۸۳/۹/۴
تاریخ شهادت:	۱۴۰۵/۱/۱۹
محل تولد:	مشهد
محل شهادت:	حاجی آباد هرمزگان

در پی تجاوز رژیم صهیونی و آمریکای جنایتکار به خاک کشورمان

تقویم تاریخ

۳۱ اردیبهشت

امروز سالروز درگذشت **فضل ا... آل داوود**، ملقب به بدایع نگار آستان قدس، شاعر مشهدی و مدیر نخستین مجله دینی مشهد است که سال ۱۳۴۳ درگذشت.

۳۱اردیبهشت ۱۳۶۱ **محمدمهدی خادم الشریعه**، سردار مشهدی و از بنیان گذاران سازمان دهی نیرو های خراسانی در جبهه به شهادت رسید.

امروز سالروز درگذشت **احمد احمدی ناصری**، پدر دوچرخه سواری خراسان ملقب به «بابا ناصری» است که سال ۱۳۸۸ بر اثر سانحه تصادف درگذشت.

حکایت

دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم.
قضا دگر نشود ور هزار ناله و آه
به کفر یا به شکایت برآید از دهنی
فرشته ای که وکیل است بر خزاین باد
چه غم خورد که بمیرد چراغ پیرزنی؟

گلستان سعدی

بی‌درنگ‌های روزهای جنگ

دزد وقیح

امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

اگر در فهم عمق معنای وقاحت یا دریدگی یا خیرگی یا بی چشم و رویی دچار مشکل شدید، برای چند ثانیه به چهره ترامپ نگاه کنید. اگر دلتان به هم نمی خورد، ویدئویی از او را تماشا کنید، چون علاوه بر ترکیب چهره اش، حرکات و سکنات و لحن حرف زدنش هم یادآور همین وقاحت و دریدگی و خیرگی و بی چشم و رویی است.

بی حیا همین چند روز پیش بود که گفت در محاصره بنادر ایران مانند دزدان دریایی عمل می کند. البته صداقت این پدیده در نوع خودش ستودنی است. هرچند او و پدرانش قرن هاست که مشغول دزدی اند. دزدی در دریا، دزدی در خشکی، دزدی نفت، دزدی آدم... هرجا که فکرش را بکنید دزدی کرده اند و هرچیز که فکرش را بکنید دزدیده اند.

کشورشان را با دزدی ساختند. سرزمینی را که در آن کشور تأسیس کردند از صاحبانش دزدیدند. تمدنشان را با دزدی بنا کردند. زنان و مردان آفریقایی را دزدیدند و به بردگی کشیدند و کشاورزی و صنعتشان را توسعه دادند. امپراطوری شان را با دزدی گسترش دادند. نفت و دیگر منابع کشورهای ضعیف را دزدیدند و با آن قدرت نظامی و رسانه ای شان را بر مردم جهان غالب کردند. این دزدان بالفطره و سارقان سابقه دار.

حرف از وقاحت بود. این جمله را ببینید که چقدر وقیحانه و مضحک است: «من ۸ جنگ را پایان دادم و درواقع ۹ جنگ، و به نظر خوب می رسد که بشود ۱۰ جنگ.» آدم یاد آن لطیفه می افتد که: «مهم ترین علت طلاق چیست؟ ازدواج.» مردک دلقک توی چشم همه نگاه می کند و ماجرا را چپکی تعریف می کند. انگارنه انگار اوست که جنگ را شروع کرده و ۴۰ روز مصیبت بر سر ما ریخته و حالا که مثل خر توی گل مانده، می خواهد در گل ماندگی اش را هم با پایان دادن یک جنگ فاکتور کند.

حقا که آدم نمی داند بخندد یا گریه کند.